

همگام با ستارگان آیا او را می‌شناسید؟

آرش رستگار



۳۳ سال پیش، در تابستان ۱۳۶۸، یکی از دوستان مادرم تماس گرفت و گفت نام آرش در روزنامه در کنار نام چند نفر برای شرکت در کلاس المپیاد فیزیک اعلام شده است که قرار بود آن سال در «دانشگاه شهید بهشتی» برگزار شود. بسیاری از هم‌کلاسی‌هایم بعدها دانشمندان برجسته‌ای شدند. می‌توانم از دکتر **علی حاجی‌میری**، استاد ممتاز رشته برق در دانشگاه کلتک نام ببرم یا دکتر **محمد مهدی شیخ‌جباری** که محقق برجسته در شاخه فیزیک مرکز تحقیقات فیزیک نظری و ریاضیات هستند.

اما دوستی که می‌خواهم درباره‌اش صحبت کنم، شاگرد اول بلامنازع «مدرسه علامه حلی» بود. اولین بار که با هم روبه‌رو شدیم، قاعده BAC-CAB درباره ضرب خارجی بردارها را برای دوستان مطرح کردم و او اثباتی به کمک پایه‌های i ، j و k برای R^3 ارائه داد. به جز معلمان بسیار برجسته، هم در فیزیک و هم در سایر درس‌های چهارم دبیرستان، یکی از امکانات بی‌نظیری که در دانشگاه شهید بهشتی در اختیار ما بود، کتابخانه مرکزی دانشگاه بود که می‌توانستیم از آن کتاب قرض بگیریم. برای یک بچه دبیرستانی عضویت در کتابخانه مرکزی دانشگاه، خیلی جذاب و مهم بود.

دوستی محکمی بین ما شکل گرفت به طوری که تا ۹ سال هر جا می‌رفتیم، با هم بودیم. در دانشگاه شریف، دانشگاه پرینستون، سفرهای علمی به چین و ایتالیا و آلمان و شرکت در همایش‌های بین‌المللی. استاد راهنمای مشترکی داشتیم و مسئله پایان‌نامه‌هایمان هم به هم نزدیک بود. در پایان سال تحصیلی ۶۹-۱۳۶۸ هیچ‌کدام از ما برای عضویت در تیم المپیاد فیزیک انتخاب نشدیم، اما هر دو به‌عنوان اعضای تیم المپیاد ریاضی برگزیده شدیم. داستان این بود که شش نفر برای تیم انتخاب می‌شدند و من نفر هفتم بودم. البته سال قبلش رتبه هشتم را به‌دست آورده بودم و آن سال هم به خاطر انصراف یکی دیگر از دوستانم، به نام دکتر آرش **یزدانبخش**، وارد تیم شدم.



من و دوست موردنظر به «دانشگاه صنعتی شریف» رفتیم. من به‌طور مستقیم در رشته ریاضی ثبت‌نام کردم و او در رشته برق. اما پس از یک نیم‌سال به دانشکده ریاضی آمد. از افتخارات زندگی من است، اگر او را به رشته ریاضی علاقه‌مند یا نظرش را به سوی رشته نظریه عددها متمایل کرده باشم. نیم‌سال اول دانشگاه از دانشکده فیزیک درس الکترومغناطیس را گرفته بود. او برایم از الکترومغناطیس و من برای او از درس‌های دانشکده ریاضی می‌گفتم. طی سه سال از شریف لیسانس گرفتیم و به اندازه یک دانشجوی فوق‌لیسانس درس برداشته بودیم.



همراه چندتن از دانشجویان دوره‌های بالاتر در یک همایش سیستم‌های دینامیکی در «مرکز بین‌المللی فیزیک نظری»^۱ و هم در یک «همایش هندسه حسابی» در همان مؤسسه در ایتالیا شرکت کردیم. دکتر اسدی از دانشگاه ویسکانسین، به همراه دوستانش **نوربرت شاپاخر**، **پیتر اشناپدر** و **اوو یانسن**، در دانشگاه صنعتی اصفهان همایشی درباره «نظریه آراکلو» برگزار کردند. در پی آن من و دوستم برای شرکت و سخنرانی در یک همایش در مورد هندسه حسابی در تیانجین چین دعوت شدیم.

معدل کارشناسی دوست موردنظر چیزی حدود ۲۰ بود و معدل کارشناسی من حدود ۱۸. سال‌ها بعد که دانشجویان دانشکده ریاضی برحسب نمراتی که در درس‌های مشترک داشتند، رتبه‌بندی شدند، دوست من با فاصله زیادی برترین دانشجوی دانشکده ریاضی طی سال‌های طولانی شناخته شد. توصیه‌نامه‌های مشترک داشتیم و با کمک و راهنمایی دکتر **سیاوش شهشهانی** و توصیه دکتر **مهرداد شهشهانی** برای ادامه تحصیل در دانشگاه پرینستون پذیرفته شدیم. هر دو با معروف‌ترین ریاضی‌دان قرن بیستم (معروف نزد عامه مردم) دکتر گرفتیم.

من پس از پایان تحصیلات مستقیم به شریف برگشتم، اما دوست صمیمی‌ام پس از ۹ سال هم‌نشینی و هم‌پایی، برای دوره پسادکتر به کانادا رفت و پس از پایان تحصیلات همسرش به ایران بازگشت و در «دانشگاه تربیت مدرس» مشغول به کار شد. طی سال‌های طولانی که سرپرست تیم المپιάد ریاضی بودم و با المپیادی‌ها سروکار داشتم، هیچ‌کس را هم‌پای دوست صمیمی‌ام ندیدم؛ نه در ریاضیات و نه در انسانیت. بلکه او یک سر و گردن از همه قوی‌تر بود. این موضوع شامل قهرمانانی مانند **ایمان افتخاری** و دیگر بزرگان ریاضیات هم می‌شود.

در تمام سال‌هایی که با او بودم، یک بار نشد کتابی یا مقاله‌ای را به او نشان بدهم و او از قبل با آن آشنا نباشد. هر مقاله‌ای می‌خواند، به تمام مراجع آخر آن مراجعه می‌کرد. هر کتابی که می‌خواند، به صدها کتاب ارجاع داده شده در آخر آن رجوع می‌کرد. در دبیرستان، فیزیک و شیمی را در سطح بالا می‌دانست. در دوران دانشجویی در دانشگاه پرینستون، در کلاس‌های دکترای شیمی شرکت می‌کرد. وقتی در دوران کارشناسی در منزلشان میهمان می‌شدم، هنگام خواب همه کتاب‌های روی تختش را به پایین هل می‌داد و روی نیمه بالایی آن چمباتمه می‌زد و می‌خوابید. همیشه مشغول مطالعه بود. حتی وقتی در برابر تلویزیون می‌نشست، سرش در کتاب بود و فقط گاهی به تلویزیون نگاه می‌کرد.

سال‌ها در کالیفرنیا به‌عنوان مهندس برق کار می‌کرد، در حالی که مدرکی در این رشته نداشت. امروز سرپرست گروه علوم رایانه در دانشکده ریاضی دانشگاه تربیت مدرس است. جزو معدود ریاضی‌دانان ایرانی است که می‌توانند کد بزنند و از نرم‌افزارهای رایانه‌ای، مانند «گپ»^۲ و «پاری»^۳ استفاده کنند. همسرش که از استعدادهای خوب سمپاد هم بوده است، پست دولتی قبول می‌کند و او در نهایت تواضع در خانه می‌ماند و از فرزندانش نگهداری می‌کند.

یکبار داشتم در فکرم با خودم غر می‌زدم که این چه وضعی است که کسی در ذهنم گفت: «صبر کن بین فرزندان او چگونه تربیت بشوند. کسی غیر از او نمی‌تواند چنین فرزندان تربیت کند.»

به‌جز دکتر سیاوش شهشهانی و دکتر **محمد رضا رزوان** و او کسی دیگر را نمی‌شناسم که بتوانم در فلسفه ریاضی با او صحبت کنم، حرفم را درک کند و نقد صحیح در برابرم قرار دهد. سال‌های طولانی همچون برادر بزرگ‌تری در تربیت علمی و اخلاقی در کنارم بود و بر من تأثیر گذاشت.



مسئله

چند عدد صحیح مثبت بین ۱ تا 10^{2022} وجود دارد که مجموع رقم‌هایش برابر ۲ باشد؟

(۱) ۲۰۰۵۰۰۳ (۲) ۲۰۰۵۰۰۳ (۳) ۲۰۰۳۰۰۱ (۴) ۲۰۰۵۰۰۲ (۵) هیچ‌کدام

برای مشاهده پاسخ، رمزینه را پویش کنید.



برای آشنایی با شخصیت شماره قبل رمزینه را پویش کنید.



پی‌نوشت‌ها

1. Internatinal Center for Theoretical Physics
2. gap
3. pari

